

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان

مرکز اسرار

آمد خبر که جنگ بی تار مدعی
افتاده پیش پای خریدار مدعی
حلو به دیگ شهرت او پخت گلرخی
باز عفران صورت و ، رخسار مدعی
نذری که بود ، گردن ما بهر وصل یار
آمد به روی غوری اشعار مدعی
تالقمه های چرب دهن سوز انتقاد
شد جنگ ناخنک ، به طرفدار مدعی
هر کو که نوش جان کند از آش داغ او
افتد به دام خام خطاکار مدعی
تعویذ مینویسد و طومار میدهد
رونق گرفته گرمی بازار مدعی
ای گلرخان : برای خدا ترک او کنید
باشد پلان شوم ، به افکار مدعی
چشم چران اوست ، چو گرگ و پلنگ و ببر
صیدی اگر فتاد ، به انظار مدعی

رحمی نمی کند به صغیران و بالغان
حتی به پیر ، نیش ز هر بار مدعی
کارش فقط توارد و بارش بس انتقاد
معروف گشته حلقه و هم دار مدعی
روزی ز کسب و شغل جنابش ، سؤال شد
گفتا که (لفت) ، مرکز اسرار مدعی
دفتر نموده باز ، در آنجا به کار خیر
مشکل کشاست ، ورد اثر دار مدعی
تصدیق نامه های گرفته ز طالبان
با مهر و تاپه های سزاوار مدعی
صد پاره گشت ، دل ز جفایش ولی چه سود
بشکسته نوک سوزن بی تار مدعی
زخم زبان و نیش کلامش به جان ماست
با حمله های ، چپلک و پیزار مدعی
مردار کرده دوغ ادب را چو خرمگس
آن لاشه خور ، مرغ چتلخوار مدعی
دیدم به نزد حاجبی ، عکس عجیب او
یعنی کشال ، خشتک ایزار مدعی
ای دوستان: بس است ، قلم شرم میکند
از قصه های اندک و بسیار مدعی
« نعمت » به پرده های تخیل کشیده است
تصویری از حقیقت کمبار مدعی